

همراه با مشکلات ۴ دختر

فاطمه شایان پویا

نویسنده



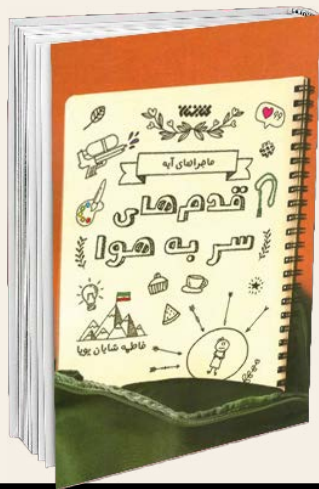
ایده اولیه این کتاب سال اول کرونا که راه اربعین روی ایرانیان بسته شد، شکل گرفت. مخاطبان اصلی این کتاب که توسط انتشارات کتابستان در ۲۲۰ صفحه به چاپ رسیده، دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم هستند. در جامعه امروز با ضعف انگیزه در نوجوانان مواجهیم. در مرکز تصمیم‌گرفتن روی مصداق حرکت برای نوجوان فکر کنیم و کتاب حرکت آقای صفایی حائری منبع اصلی من برای نوشتن کتاب قدم‌های سر به هوا شد.

پریا، قهرمان اصلی داستان، دختری ۱۶ ساله است که با جدا شدن از دوستش و رفتن به مدرسه‌ای دیگر دچار عدم تعادل اولیه شد. این دختر با پیدا کردن دوستان جدید و شکست در مسابقه‌ای که همزمان با تعطیلی سفر اربعین بود و مشکلات زمینه‌ای که داشت کم‌کم رو به ناهنجاری رفت. در مدرسه شیطنیت می‌کردند و مشکلاتی را به وجود می‌آوردند. در این بین یکی از معلم‌ها توانست با این چند دختر به خصوص قهرمان داستان ارتباط بگیرد.

چهار دختر داستان ما هر کدام مشکلات فردی داشتند که معلم راهکاری را به صورت غیر مستقیم جلوی دختران گذاشت و پچه‌ها به طور ناخودآگاه با خودشان مواجه شدند. هر کدام از دوست‌ها نماد یک حرکت است، یکی راحت‌طلبی، دیگری در مشکلات با کسی تعامل نمی‌کند و آن یکی به فضای مجازی اعتیاد دارد. یک سفر کوهنوردی پیش آمد که در این سفر هر کدام توانستند تصمیماتی بگیرند و همانندسازی‌هایی کنند. مثلاً عوامل شکست‌شان در مسابقه را در بیاورند و تصمیمات خوبی برای یک حرکت سازماندهی شده بگیرند. حرکتی که کمک‌شان می‌کرد قدم بزرگی برای کار خیر جریان‌سازی بردارند.

قهرمان داستان توانست در بازگشت از این سفر هر کدام از قدم‌هایی را که بالا رفت و تصمیماتی را که گرفت با قدم‌های سفر اربعین همانندسازی کند و خودش را ببیند که انگار در سفر اربعین حضور دارد.

دوست پریا که از او جدا شده بود و در سفر اربعین حضور داشت، با پریا تماس می‌گیرد و می‌گوید من تو را در مسیر راهپیمایی اربعین دیدم و پریا باور کرد که در سفر اربعین حضور داشته است.



برگ سبز و سند کمپانی و کارت خودرو نیسان
وانت مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۹۳ ایران ۵۵۶
ن ۳۹ و شماره موتور 497385 و شماره شاسی
IRNC881X5KN209779 به‌نام آقای سهراب کرمی
مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد.



قفسه‌های
کتاب

پایداری

نقد

پادداشت

گزارش

گفت‌وگو

۹ آبان ۱۴۰۲

حسین زکریائی عزیزی در نشست رونمایی کتابش «ساعت قرار» مطرح کرد؛

کتابم زبانی داستانی دارد اما مستند است



شاید چندان ایشان را نمی‌شناسند. وی در ادامه به آشنایی‌اش با شهید بصیر که خاطراتی از او در کتاب «ساعت قرار» روایت شده، اشاره کرد و ادامه داد: من در هفته تپه و در عملیات کربلای ۵ با ایشان آشنا شدم. در آنجا او گفت که من هیچ چیزی نمی‌خواهم فقط گروهان و دسته‌های من باید روحانی داشته باشد. درباره این مسائل در دفاع مقدس قلم‌فرسایی نشده است. خانواده ایشان همه یا در جنگ فعال بودند یا شهید شده بودند. شهید بصیر در زمان جنگ تحمیلی بچه‌های کوچک زیادی داشت و زندگی سختی را می‌گذراند اما روی اعتقادات خود راسخ بود.

سردار سلیمانی، تفکر مقاومت را صادر کرد

امیر غلامحسین دربندی نیز در بخش دیگری از این نشست با بیان این‌که ما قبل از جنگ هم جنگ داشتیم، بیان کرد: استکبار جهانی گروهک‌های تروریستی ایجاد کرده بود که در شهرهای مختلف جهان آشوب به پا کنند. در همین راستا بود که سردار سلیمانی دو کشور را از دهن اژدهایی مانند داعش بیرون کشید و تفکر مقاومت را صادر کرد. قبل از جنگ هم گروهک‌های تکفیری شهرهای ما را اشغال کردند و جنایات مختلفی را شکل دادند. شهید صیاد شیرازی توانست با فرماندهی خود شهرهای مختلف را آزاد کند.

وی با اشاره به کتاب «جنگ قبل از جنگ: برگرفته از خاطرات امیر سرتیپ مصطفی‌گودینی» بیان کرد: زمانی به دیدار ایشان رفتم و متوجه وضعیت بد جسمانی‌اش شدم. ایشان بیان کرد که بارها در فرآیند جنگ صدمه دیده و از شکنجه‌های وحشتناکش گفت. باید به سیده فاطمه طالقانی هم اشاره کنم که کودک سه ساله‌ای بود و در اصفهان به دست منافقان به آتش کشیده شد. اینها جنایاتی است که باید بیان شود.

ترسیدم اما در دلم آرامش را حس کردم

در بخش دیگر این نشست گلعلی بابایی ضمن تقدیر و تشکر از مولف کتاب «ساعت قرار» بیان کرد: من ۵۸ ماه از دوران نوجوانی و جوانی‌ام را در دفاع مقدس گذراندم و با نیمی از شهدایی که در کتاب خاطرات آنها آمده، مانوس بوده‌ام. در سوره فصلت آمده که «کسانی گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند.» در متن عربی این آیه کلماتی آورده شده که نشان می‌دهد نتیجه مقاومت بیروزی است. در جنگ احزاب به پیامبر (ص) گفته می‌شود که ما بر دل دشمنان تو خوف انداختیم. در آیه دیگری در سوره احزاب هم مشابه این پیام آمده است. این نویسنده حوزه دفاع مقدس ادامه داد: من و شعبان احسان پور در ۱۸ سالگی در هورالهبویه از شب تا صبح در کمین بودیم. پشه‌ها ما را اذیت می‌کردند اما آرامش داشتیم. من یک مسافت ۷۰۰ متری را در اینجا طی کردم و تمام وسایلم را انداختم. ترسیدم اما در دلم آرامش را حس کردم.

به گزارش قفسه کتاب، «ساعت قرار» نوشته حسین زکریائی عزیزی با سخنرانی حجت‌الاسلام عبدالعلی گواهی، غلامحسین دربندی، گلعلی بابایی و جمعی از اهالی ادبیات و رسانه و مولف اثر در سرای کتابخانه کتاب و ادبیات ایران رونمایی شد.

ساعت قرار؛ اثری مستند با زبانی داستانی

در ابتدای این نشست زکریائی عزیزی با اشاره به این‌که کتاب «ساعت قرار» به روایت خاطرات آن دسته از فرماندهان شهید و بسیجیان آفریننده حماسه‌های ویژه در سال‌های دفاع مقدس می‌پردازد که تاکنون میان مردم ناشناخته بوده‌اند، گفت: میان سال‌های ۷۸ تا ۸۴ که در صفحه جنگ روزنامه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کردم، مصاحبه‌های بسیاری با فرماندهان جنگ از جمله حاج‌احمد کاظمی، سردار سلیمانی و... انجام دادم و در این گفت‌وگوها به خاطرات این بزرگان درباره دیگر فرماندهان جنگ پرداختم. شخصاً به مستندسازی در جنگ اعتقاد دارم و با این‌که کتابم، زبانی داستانی دارد، اما مستند و حاصل همان گفت‌وگوهایم با فرماندهان جنگ است. من زیباترین خاطرات این افراد را تبدیل به داستان کردم.

«ساعت قرار» بیست و هشتمین کتابم است

این نویسنده و پژوهشگر عرصه ادبیات دفاع مقدس با بیان این‌که تلاش کرده داستان‌ها را به صورت مختصر بیان کند، ادامه داد: شاید با این شیوه مخاطب شخصیت یک شهید را کاملاً نشناسد، اما می‌تواند در ذهن او جرقه‌ای ایجاد کند تا به جست‌وجوی شناخت هرچه بیشتر آن شهید مدنظر بپردازد. حدود ۱۰ سال پیش کتاب «گفت‌وگوی ناتمام» را درباره نماز شهدا منتشر کردم و بعد از این وقفه «ساعت قرار» که بیست و هشتمین کتابم است، روانه کتابفروشی‌ها شد. تفاوت این اثر با دیگر کتاب‌های من در همین برخورد با بودنش از زبان داستانی است.

ضرورت افزایش تولید در حوزه ادبیات دفاع مقدس

حجت‌الاسلام گواهی نیز در این نشست به سابقه آشنایی خود با مولف کتاب اشاره کرد و گفت: کسانی که دغدغه مالی دارند، برای کار سراغ عرصه فرهنگ نمی‌روند، اما ایشان از جوانی با دغدغه‌هایی ارزشمند وارد این حوزه شده و در آن ثابت قدم مانده است.

مردم شهر ابوعمار، او را نمی‌شناسند!

گواهی ادامه داد: من با سه شهید در کتاب «ساعت قرار» مانوس بودم؛ شهید ابوعمار فرمانده سپاه مرپوان که البته فامیلی ایشان افتخاریان بود و به ابوعمار معروف شد. ایشان آمد در نمازخانه صحبتی کرد و من را هم به محور جانوران مرپوان اعزام کردند. وقتی اسم ابوعمار را می‌آوردند مردم صلوات می‌فرستند و عشق و علاقه مردم به او مثال‌زدنی است. عجیب است که مردم خود شهر ابوعمار



میان سال‌های

۷۸ تا ۸۴ که در

صفحه جنگ

روزنامه جمهوری

اسلامی فعالیت

می‌کردم،

مصاحبه‌های

بسیاری با

فرماندهان جنگ

از جمله حاج

احمد کاظمی،

سردار سلیمانی و

... انجام دادم

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سایپا 131SE مدل
۹۶ به شماره موتور M135861919 شماره شاسی
NAS411100H3364572 شماره انتظامی ۵۸-۲۸۳ م ۶۶
به نام علیرضا زارعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.

گواهی می‌شود فاکتور بلوک
سیلندر ۹۸۰۱۴۱۴۵۴ به شماره
موتور ۱۲۴۸۴۱۲۵۸۶۷ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت خودرو رنو تندر ۹۰ رنگ سفید ششیری روغنی
مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۶۸-۱۲۲ م ۳۶
و شماره موتور 100012866RD069586 و شماره
شاسی NAALSRBYWFAS09932 به نام مجتبی
موحدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.